

ای کسانی که ایمان آوردید، تقوای خدارا پیشه کنید و همراه راستگویان باشید. توبه/۱۱۹

حکایت می شود (آورده اند) که مردی بسیار گناهکار و با عیب بود. برکارهای بدش پشیمان شد و سعی کرد که آن هارا اصلاح کند، اما نتوانست. نزد مرد دانا و نیکوکاری رفت و از او پندی خواست (جوایشد) که او را از انجام گناهان بازدارد. (آن مرد) او را به پایبندی به راستگویی نصیحت کرد و از او پیمانی (قولی) برآن گرفت. پس آن مرد هرگاه خواست که مرتکب گناهی شود، به خاطر وفای به عهدش از آن خودداری می کرد تا به آن مرد دانا دروغ نگوید (نگفته باشد) و با گذر زمان به خاطر پایبندیش به راستگویی از شر گناهانش و اشکالاتش رها شد (رهایی یافت).

و حکایت می شود (آورده اند) که جوانی بسیار دروغگو بود. در یکی از روزها در دریا شنا می کرد، و انمود به غرق شدن کرد و دوستانش را صدا زد: کمک، کمک، .. دوستانش به سوی او شتافتند تا او را نجات دهند، وقتی که به او رسیدند، به آن ها خندید (آن ها را مسخره کرد). این کار را سه بار تکرار کرد و در دفعه ی چهارم موج بالا آمد و نزدیک بود که آن جوان غرق شود. پس شروع کرد که دوستانش را صدا بزند (شروع به صدازدن دوستانش کرد)، اما آن ها گمان کردند که او دوباره دروغ می گوید و به او توجه نکردند تا این که یکی از مردم به سوبیش شتافت و او را نجات داد. آن جوان به دوستانش گفت: "نتیجه ی کارم را دیدم. دروغ گویی ام نزدیک بود مرا بکشد. بنابراین از امروز به بعد هرگز دروغ نخواهم گفت." این جوان دیگر (یک بار دیگر) به دروغ گویی برنگشت.

خداوند بلندمرتبه فرمود: "ای کسانی که ایمان آوردید، تقوای خدای پیشه کنید و همراه راستگویان باشید." توبه/۱۱۹

راستگویی با خدا با خالص کردن کارها برای او تجلی می یابد و راست گویی با مردم این است که به دیگران دروغ نگوییم. حضرت پیامبر درود و سلام خدا بر او و خانانش باد فرمودند: "خیانت بزرگی است که با برادرت سخنی بگویی، درحالی که او تأییدکننده ی توست و تو به او دروغ می گویی (خیانت بزرگی است که با برادرت که تو را باور دارد، سخنی بگویی درحالی که تو برای او دروغ گویی)." حضرت امام علی درود خدا بر او باد فرمودند: "کسی چیزی را پنهان نکرد، مگر این که در لغزش های زبانش (از نیندیشیدن) و همه جای چهره اش نمایان شد."

بنابراین فرد بسیار دروغگو نمی تواند که دروغش را پنهان کند یا آن را انکار نماید.

سخن حضرت پیامبر درود و سلام خدا بر او و خانانش باد چه زیباست! : "به بسیاری نمازشان و روزه ایشان و بسیاری حج و کار خوب و بانگ آرام نیایششان در شب نگاه نکنید، ولی به راستگویی و به جا آوردن امانت (امانتداری) نگاه کنید."

## بسیار مهم

## ص. ۶۵: نکات واژه نامه

-أَخَذَ: گرفت. حروف اصلی: ع خ ذ ، ثلاثی مجرد است: أَخَذَ يَأْخُذُ امر: خَذَّ (به جهت اختصار همزه در امر می افتد!) مصدر: أَخَذَ \*توجه: اگر أَخَذَ به تنهایی بیاید، "گرفت" ترجمه می شود، اما اگر بعد از آن یک فعل مضارع بیاید "شروع کرد، آغاز کرد" ترجمه می کنیم. مانند: أَخَذَ عَلِيٌّ يَكْتُبُ دَرَسَةً. علی شروع کرد که درسش را بنویسد. این فعل مضارع ممکن است بلافاصله پس از أَخَذَ بیاید یا با فاصله.

-إِسْتِطَاعَ: توانست = قَدَرَ ، حروف اصلی: ط و ع ، ثلاثی مزید (باب استفعال) إِسْتَطَاعَ يَسْتَطِيعُ إِسْتَطَاعَ إِسْتَطَاعَةَ

-أَسْرَعَ: شتافت، عجله کرد، کاری را به سرعت انجام داد = عَجَلَ ؛ حروف اصلی: س ر ع ، ثلاثی مزید (باب إفعال):

أَسْرَعَ يُسْرِعُ أَسْرَعَ إِسْرَاعَ

-أَصْلَحَ: درست گرداند، اصلاح کرد، درست کرد ≠ أَفْسَدَ ، حروف اصلی: ص ل ح ، ثلاثی مزید (باب إفعال):

أَصْلَحَ يُصْلِحُ إِصْلَاحَ ≠ أَفْسَدَ يُفْسِدُ إِفْسَادَ

-أَضْمَرَ: پنهان کرد، مخفی کرد = أَخْفَى ≠ أَظْهَرَ ، حروف اصلی: ض م ر، ثلاثی مزید(باب إفعال): أَضْمَرَ يُضْمِرُ أَضْمِرُ إِضْمَارٌ

-التَّزَامُ: پایبندی، تعهد، ملزم بودن، حروف اصلی: ل ز م، ثلاثی مزید(باب افتعال): التَّزَمَ يَلْتَزِمُ التَّزِمُ التَّزَامُ

-التَّفَتُّ: توجه کرد، رو کرد، حروف اصلی: ل ف ت، ثلاثی مزید(باب افتعال): التَّفَتَّ يَلْتَفِتُ التَّفَتُّ التَّفَاتُ

-أَنْكَرَ: دروغ دانست، انکار کرد، مُنْكَرٌ شد ≠ صَدَّقَ (باورکرد)، حروف اصلی: ن ك ر، ثلاثی مزید(باب إفعال): أَنْكَرَ يُنْكَرُ أَنْكَرُ إِنْكَارٌ

-تَخَلَّصَ: رهاشد، رهایی یافت، خلاص شد. حروف اصلی: خ ل ص، ثلاثی مزید(باب تفعل): تَخَلَّصَ يَتَخَلَّصُ تَخَلَّصٌ

-تَظَاهَرَ بِ..: به چیزی وانمود کرد، تظاهر به چیزی کرد. حروف اصلی: ظ ه ر، ثلاثی مزید(باب تفاعل):

تَظَاهَرَ يَتَظَاهَرُ تَظَاهَرٌ تَظَاهِرٌ

-حَدَّثَ: سخن گفت، حرف زد = كَلَّمَ، تَكَلَّمَ، تَحَدَّثَ ≠ سَكَتَ، ثلاثی مزید(باب تفعیل): حَدَّثَ يُحَدِّثُ حَدِثٌ حَدِيثٌ

\*با حَدَّثَ(به معنی اتفاق افتاد) اشتباه نشود.

-حَكَى: حکایت کرد، تعریف کرد. حروف اصلی: ح ك ي. ثلاثی مجرد است: حَكَى يَحْكِي امر: إِحْكُ مصدر: حِكَايَةٌ

-سَبَّحَ: شناکرد. ثلاثی مجرد است: سَبَّحَ يَسْبُحُ امر: اسْبِحْ مصدر: سِبَّاحَةٌ \*توجه: با سَمَّحَ به معنی "اجازه داد" اشتباه نشود.

-صَاحِبٌ: دوست. اسم فاعل است. جمع: أَصْحَابٌ، صَحَابَةٌ. صاحب = صَدِيقٌ ≠ عَدُوٌّ

-صَفْحَةٌ: یک روی چیزی صَفَحَاتُ الْوَجْهِ: همه جای چهره

-ضَحِكَ: خندید / ضَحِكَ عَلَى..: به کسی خندید، مسخره کرد

-طَنَّنَةً: بانگ(آرام)، صدا. اصطلاحاً: بانگ آرام نیایش

-عَادَ: برگشت، بازگشت = رَجَعَ ≠ ذَهَبَ، حروف اصلی: ع و د، ثلاثی مجرد است: عَادَ يَعُودُ امر: عُدْ عَوْدَةٌ

-فَلْتَةُ اللِّسَانِ: لغزش زبان از نیندیشیدن. جمع سالم دارد: فَلْتَاتٌ. فَلْتَاتُ اللِّسَانِ: لغزش های زبان از نیندیشیدن

-كَادَ ..: نزدیک بود که .. ، ثلاثی مجرد است: كَادَ يَكَادُ \*اگر بعد از كَادَ يَكَادُ فعل مضارعی بیاید، آن فعل مضارع به صورت مضارع

النزاعی ترجمه می شود: كَادَ الطَّالِبُ يَكْتُبُ دَرَسَهُ. نزدیک بود که دانش آموز درشش را بنویسد.

يَكَادُ: نزدیک است که .. : يَكَادُ الْمُعَلِّمُ يَسْأَلُ الطَّالِبَ عَنِ الدَّرْسِ. نزدیک است که معلم در مورد درس از دانش آموز سوال کند.

\*توجه: كَادَ با كَانِ اشتباه نشود.

-كَبُرَ: بزرگ شد ≠ صَغُرَ ، فعل معلوم و ثلاثی مجرد است: كَبُرَ يَكْبُرُ

\* اگر بعد از كَبُرَ یا صَغُرَ یا افعالی مانند این ها مصدری بیاید، باهم ترجمه می شوند: كَبُرَتْ خِيَانَةٌ: خيانتِ بزرگی است. نَقَلَتْ أَمَانَةً:

امانتِ سنگینی است. حَسُنَ أَدْبَاباً: ادبِ نیکویی است.

-كَرَّرَ: تکرار کرد. حروف اصلی: ك ر ر ، ثلاثی مزید(باب تفعیل): كَرَّرَ يُكْرِرُ كَرَّرَ تَكَرَّرَ

-كُلَّمَا: هرگاه، هر وقت، هر زمان

-نَجَّدَ: کمک، یاری = مُسَاعَدَةٌ، مُحَاوَلَةٌ، نَصْرٌ

## ص. ۹۸: درك مطلب

مطابق با متن درس درست و نادرست را مشخص کن:

۱. مرد بسیار گناهکار تلاش کرد که خودش را اصلاح نماید، پس درابتداء نتوانست. صحیح
۲. مرد دانا از مردی که بسیار گناه می کرد درخواست کرد که به تمام خوبی ها پایبند باشد. نادرست

۳. مردی که بسیار گناه می کرد به خاطر وفای به عهدش از گناهان خودداری کرد. صحیح
۴. جوان بسیار دروغگو وقتی برای بار سوم دروغ گفت، نزدیک بود غرق شود. نادرست
۵. دروغ گویی در لغزش های زبان (از نیندیشیدن) و همه جای چهره نمایان می شود. صحیح

### ص. ۵۳: التمرین الأول:

کدام کلمه از کلمات واژه نامه ی درس با توضیحات زیر هماهنگی دارد؟

۱. شناکردن نمی دانست، پس فریاد زد: کمک کمک . : كَذَّبَ ، تَظَاهَرَ
۲. چیزی را پنهان کرد و آن را دور از نگاه ها قرار داد : اَضْمَرَ
۳. آن را دروغ پنداشت و نپذیرفت: اَنْكَرَ
۴. کاری را چندبار انجام داد : كَرَّرَ
۵. بزرگ شد : كَبُرَ

### ص. ۶۵: نکات متن

- اَمَّنُوا: فعل ماضی و فاعل آن ضمیر واو، اِتَّقُوا: فعل امر و فاعل آن ضمیر واو، كُونُوا: فعل امر و فاعل آن ضمیر واو، مع: قید مکان،

الصادقین: مضاف إليه

ص. ۶۶:

- سطر ۱: يُحَكِّي: فعل مجهول، المعاصي: مضاف إليه، جمع مَعْصِيَةٍ است.، عُيُوب جمع عَيْب است. نَدِمَ: فعل، على أعمال: جارومجرور،

ه: مضاف إليه، السَّيِّئَةِ: صفتِ أعمال

- سطر ۲: فاضل: صفت، صالح: صفت، موعظة: مفعول، تمنع: فعل و صفت(جمله ی وصفیه) برای موعظة

- سطر ۷: لِيُنْقِذُوهُ = لِيُنْقِذُوا: فعل و فاعل آن ضمیر واو(لام ناصبه وبه معنی "برای این که" است و دلیل شتافتن یاران را بیان می دارد.

مربوط به درس چهارم)، ه: مفعول

ص. ۶۷:

- سطر ۲: أبدأً: قید زمان ، أُخْرَى: صفتِ مَرَّةً

- سطر ۶: الصِّدْق: مبتدا، يَتَجَلَّى: خبر(ازنوع فعل)

- سطر ۸: تُحَدِّثُ: فعل، أخاص: مفعول، ك: مضاف إليه، هو: مبتدا، مصدِّق: خبر(ازنوع اسم)، أنت: مبتدا، كاذب: خبر(ازنوع اسم)

- سطر ۱۰: ماأضمر: فعل ماضی منفی، أحد: فاعل، شيناً: مفعول، ظهَرَ: فعل، في قَلَّتات: جارو مجرور، لسان: مضاف إليه، ه: مضاف

إليه، وجه: مضاف إليه، ه: مضاف إليه

- سطر ۱۱: كذب: مفعول برای يُخْفِي، ه: مضاف إليه، يُنكر: فعل، ه: مفعول

والسلام

حقيقي